

سیستم خودمدیریتی دموکراتیک مردم روزآوا در خطر و فاجعه انسانی در راه است!

بهرام رحمانی

bahram.rehmani@gmail.com

تماس‌های دیپلماتیک میان میان نیروهای سوریه دموکراتیک(ق‌س‌د) و هیات دولت مرکزی سوریه، همچنان ادامه دارد. گزارش‌ها حاکی از آن است که آمادگی‌ها برای همکاری مشترک میان «ق‌س‌د» و «دولت موقت دمشق» در جریان است. انتظار می‌رود هیات دمشق در حسکه جلسه‌ای برگزار کرد؛ گفته می‌شود اسامی مشخصی برای پست‌های «معاونت وزارت دفاع» و «استانداری حسکه» مطرح شده است. احتمال می‌رود در روزهای آینده گام‌هایی در سطح صدور فرمان و احکام رسمی در این زمینه‌ها برداشته شود.

نیروهای امنیتی دولت سوریه، روز دوشنبه دوم فوریه ۲۰۲۶، در یکی از شهرهای تحت کنترل کردها در شمال شرق سوریه مستقر شدند. این اقدام نخستین گام در اجرای توافق آتش‌بس به شمار می‌رود و قرار است مناطق تحت اداره کردها را با دمشق یک‌پارچه کند.

خبرنگاران رویترز شاهد حرکت کاروانی متشکل از بیش از ۳۰ خودروی متعلق به وزارت کشور بودند که از حومه شهر حسکه، شهری با ترکیب قومی متنوع، به سوی مرکز شهر در ساعات نخست بعدازظهر روانه شد. منابع محلی گفتند دقایقی بعد خودروها وارد شهر شدند. اعضای نیروی امنیتی کرد موسوم به «آسایش» هنگام ورود کاروان، در محل حضور داشتند. به گفته یک مقام سوری و یک منبع امنیتی کرد پیش از این استقرار، نیروهای دولتی قرار است در ساختمان‌های وابسته به دولت سوریه در منطقه موسوم به «منطقه امنیتی» حسکه مستقر شوند.

این اقدام در چارچوب توافقی میان دولت دمشق و مقامات کرد برای ادغام نیروها و نهادهای کردی در ساختار دولت سوریه انجام شده است. این توافق پس از ماه‌ها تنش و درگیری میان دو طرف به دست آمد.

خبرگزاری رسمی سوریه(سانا)، گزارش داد نیروهای وزارت کشور روز دوشنبه استقرار خود در مناطق روستایی پیرامون عین‌العرب را آغاز کرده‌اند.



نیروهای امنیتی دولت مرکزی دمشق پیش از ورود به شهر حسکه در شرق سوریه، ۲ فوریه ۲۰۲۶

روز جمعه ۳۰ ژانویه ۲۰۲۶، توافقی میان دولت سوریه و نیروهای کرد به امضاء رسید که ظاهراً به یک آتش‌بس دائمی منجر شد و هدفش آن است که نیروها و نهادهای کرد در ساختار دولت سوریه ادغام شوند. بر اساس این توافق:

«هر دو طرف نیروهای خود را از خطوط مقدم در شمال‌شرق سوریه عقب می‌کشند.

نیروهای امنیتی دولت مرکزی، وارد شهرهای حسکه و قامشلی، دژهای قدرت کردها می‌شوند.

تحويل برخی از میادین نفتی، فرودگاه قامشلی و گذرگاه‌های مرزی به دولت مرکزی ظرف ۱۰ روز نیز بخشی از این توافق است.

حقوق فرهنگی و آموزشی کردها تضمین می‌شود و بازگشت آوارگان امکان‌پذیر خواهد بود.

نیروهای نظامی کردها بخشی از نیروهای امنیتی و نظامی سوریه خواهند شد؛ اما منحل نخواهند شد و هویت متمایز خود را در ارتش سوریه حفظ خواهند کرد. قرار است آن‌ها در سه لشکر در حسکه و یک تیپ در کوبانی سازماندهی مجدد شوند و تحت نظارت فرمانداری حلب(منصوب شده از سوی دمشق) قرار گیرند.

امنیت در سرزمین‌های آن‌ها، هم‌چنان بر عهده پلیس کردها خواهد بود که «آسایش» نامیده می‌شود؛ با این وجود این نیرو به تدریج در وزارت کشور سوریه ادغام خواهد شد. هم‌زمان، بخش‌های اداری خودمختار در این منطقه (کارمندان دولت، معلمان و غیره) نیز در ساختار دولت دمشق ادغام خواهند شد و زیرمجموعه فرمانداری قرار می‌گیرند که از سوی دمشق منصوب می‌شود.»

پس از این توافق، به گزارش خبرگزاری‌ها، ستون‌هایی از خودروهای زرهی و وسایل نقلیه نیروهای امنیتی سوریه روز دوشنبه دو فوریه، از یک ایست بازرسی متعلق به نیروهای کرد عبور کردند. اعضای نیروهای کرد، شامل مردان و زنان مسلح، در دو سوی جاده صف کشیده بودند.

مقامات محلی کرد برای «تامین امنیت ساکنان» در مرکز شهر حسکه، که جمعیتی از کردها و عرب‌ها را در خود جای داده است، مقررات منع رفت‌وآمد اعلام کردند.

تلاش‌های دیپلماتیک برای بازسازی نظم سیاسی و اداری در سوریه ادامه دارد. بر اساس گزارش‌ها، گفت‌وگوها میان هیات‌های دمشق و قسد تحت عناوین متعددی از جمله مدیریت گذرگاه‌های مرزی، فرودگاه‌ها و انتگراسیون نهادهای اداری در حال پیگیری است.

گفته می‌شود نمایندگانی از روزآوا در نهادهای دولتی جای داده شوند. به احتمال زیادی، قسد به زودی اسامی افرادی را که قرار است در نهادهای دولتی به صورت مشترک فعالیت کنند، به طور رسمی اعلام نماید. مقامات قسد و روزآوا بر اهمیت یک راه‌حل جامع و یکپارچه و فرآیند انتگراسیون تأکید دارند.

هرچند درگیری‌ها در منطقه به میزان قابل توجهی کاهش یافته است، اما ذکر این نکته ضروری است که خطر حملات هنوز به طور کامل از بین نرفته است و مردم در بیم و امید به سر می‌برند.

در بیانیه نیروهای دموکراتیک سوریه آمده است که این توافق هم‌چنین شامل «تضمین حقوق مدنی و آموزشی مردم کرد و تضمین بازگشت آوارگان به مناطق خود» می‌شود. در این بیانیه تأکید شده است که هدف این توافق، «اتحاد سرزمین‌های سوریه و دستیابی به فرآیند ادغام کامل در منطقه با افزایش همکاری بین طرف‌های ذربط و یکپارچه‌سازی تلاش‌ها برای بازسازی کشور» است.

آتش‌بسی که هفته گذشته میان دو طرف برقرار شد، تا حد زیادی رعایت شده و به نظر می‌رسد اعلام توافق امروز به عنوان گامی در جهت تحکیم این آتش‌بس ارزیابی می‌شود.

تام باراک، فرستاده ویژه آمریکا در امور سوریه، در بیانیه‌ای که در شبکه اجتماعی ایکس منتشر شد، توافق جدید را «نقطه عطفی عمیق و تاریخی در مسیر سوریه به سوی آشتی ملی، وحدت و ثبات پایدار» توصیف کرد. او هم‌چنین از «مردم کرد که فداکاری‌های خارق‌العاده و مقاومت استوارشان نقشی محوری در دفاع از سوریه در برابر افراط‌گرایی و حفاظت از جمعیت‌های آسیب‌پذیر ایفا کرده است»، تقدیر کرد.

فرستاده ویژه آمریکا، هم‌چنین از فرمان اخیر احمد الشرع برای تقویت حقوق اقلیت کرد در سوریه، از جمله به رسمیت شناختن زبان کردی به عنوان زبان ملی در کنار زبان عربی و تصویب جشن نوروز به عنوان تعطیل رسمی، تمجید کرد. این فرمان هم‌چنین تدابیر ناشی از سرشماری سال ۱۹۶۲ در استان حسکه در شمال شرق سوریه - که در نتیجه آن ده‌ها هزار کرد از تابعیت سوری محروم شده بودند- را لغو می‌کند. تام باراک، هم‌فکر و هم‌جهت با اردوغان و احمد شرع است و روشن است که اهمیتی به آزادی و مطالبات مردم کرد نمی‌دهد.

در حالی که اخبار و گزارشات بالا در جریان است در حالی که محاصره کوبانی روز سه‌شنبه سوم فوریه ۲۰۲۶، وارد پانزدهمین روز خود شده است. نزدیک به ۶۰۰ هزار نفر که هزاران تن از آنان آواره هستند، به دلیل نبود آب، برق و دارو در شرایط بسیار سختی به سر می‌برند.

به دلیل محاصره ۱۵ روزه کوبانی توسط گروه‌های تبه‌کار اسلامی هیات تحریرالشام (HTS) و دولت ترکیه، جان بیش از ۶۰۰ هزار نفر در خطر است. به‌ویژه دارو یافت نمی‌شود و بیماران مبتلا به سرطان نمی‌توانند برای ادامه درمان خود از شهر خارج شوند. برق قطع شده و سوخت و مواد غذایی نیز نایاب شده است.

مردم کوبانی از روز نخست هم مسئولیت رسیدگی به آوارگان را بر عهده گرفته‌اند و هم از روستاها و شهر خود محافظت می‌کنند. آن‌ها اجازه ندادند گروه‌های اسلامی هیات تحریرالشام، داعش و دولت ترکیه پیشروی کنند.

در حالی که طبق توافق ۲۰ ژانویه میان نیروهای سوریه دموکراتیک (قسد) و دولت موقت دمشق که اجرای عملی آن از ۲ فوریه ۲۰۲۶ آغاز شد، می‌بایست محاصره کوبانی برداشته می‌شد. اما با وجود دیدارهای میان نیروهای امنیت داخلی کوبانی و هیات وزارت کشور دولت موقت دمشق، محاصره هم‌چنان ادامه دارد.

از سوی دیگر، ارتش اشغال‌گر ترکیه اجازه نمی‌دهد کمک‌های انسانی که توسط مردم باکور کردستان آماده شده است، وارد کوبانی شود. با این وجود، مقاومت مردم کوبانی در این شرایط دشوار، هم‌چنان ادامه دارد.

دولت ترکیه، وقایع اخیر سوریه را «ضربه به تروریسم» توصیف کرده است. خبرگزاری فرانسه به نقل از سازمان‌های غیردولتی و یک نماینده پارلمان ترکیه می‌نویسد که روز شنبه ۳۱ ژانویه ۲۰۲۶، مقامات ترکیه مسیر یک کاروان حامل کمک به کوبانی را مسدود کرده‌اند.

با وجود برقراری آتش‌بس، کوبانی (شهر استراتژیک با اکثریت کرد در شمال غرب سوریه و در امتداد مرز ترکیه)، هم‌چنان در محاصره است. بنا بر اعلام مسئولان این منطقه که از دیگر بخش‌های کردنشین جدا است، پس از دو هفته محاصره سنگین کوبانی توسط نیروهای دولت مرکزی، آب و برق در شهر هم‌چنان قطع است و نزدیک به ۵۰۰ هزار ساکن آن در سرمای زمستان با کمبود غذا و امکانات درمانی و سوخت روبه‌رو هستند.

حاکمان جدید سوریه از زمان سرنگونی بشار اسد در دسامبر ۲۰۲۴، در تلاش برای اعمال اقتدار کامل خود بر کشوری هستند که نزدیک به ۱۴ سال جنگ داخلی را تجربه کرده است. اگرچه در ماه مارس توافقی برای ادغام نیروهای دموکراتیک سوریه با دولت دمشق حاصل شد، اما آن توافق عملاً پیشرفتی نداشت.

نیروهای دموکراتیک سوریه پس از ماه‌ها مذاکرات ناکام برای اجرای توافقی ادغام، به دنبال درگیری‌های شدید ۶ ژانویه ۲۰۲۶ در شهر شمالی حلب، بخش عمده‌ای از قلمرو خود در شمال شرق سوریه را در جریان عملیات نظامی دولت از دست دادند.

در همین حال، ایالات متحده که سال‌ها از پیروزی نیروهای دموکراتیک سوریه در مبارزه با داعش، خرسند بوده و چاه‌های نفت روژآوا را در اختیار داشت و هرگز به اشغالگری و حملات پیوسته ارتش ترکیه و نیروهای سوری تحت امر آن به مردم کرد روژآوا، کم‌ترین انتقادی نداشت و حمایتی هم از مدیریت خودگران دموکراتیک روژآوا نکرده است و تنها به فکر منافع خود و د و نیروهای دموکراتیک سوریه را هم در ائتلاف ضد داعش توصیف می‌کرد اکنون رسماً و علناً از ریاست جمهوری موقت احمد الشرع، حمایت می‌کند و تاام باراک رسماً و علناً، خواهان برقراری همان سیاست قدیمی «یک ملت، یک دولت، یک رهبر و یک پرچم» در سوریه است نه سوریه دموکراتیک که نیروهای روژآوا ۱۵ سال است خواهان برقرار آن هستند و تاکنون در این راه، بیش از ده هزار نفر قربانی داده‌اند. اما از زمانی که حکومت بشار اسد سقوط کرد و جای آن را احمد الشرع تروریست معروف و نیروهای اسلامی وابسته به آن گرفتند آمریکا، همواره طرف الشرع رییس جمهور موقت دمشق را گرفته و همه جهت‌گیری‌هایش بر علیه مردم کرد و آزادی‌های آن‌هاست.

اما بازی‌های خطرناک سه‌جانبه دولت‌های ترکیه، آمریکا و سوریه علیه مردم کرد، هنوز پایان نیافته است. تاریخ خاورمیانه، به ویژه تاریخ کردستان در سده اخیر، میان دو خط اصلی در جریان است: خط سرکوب دولتی و خط مقاومت مردمی. انقلاب روژآوا، رویای صد ساله تمامی کردها منطقه را تجسم بخشیده است، امروز با دستاوردهایش در معرض حملات همه‌جانبه قرار گرفته است. تجربه روژآوا به نمونه مهمی تبدیل شده که نشان می‌دهد یک خلق تحت ستم می‌تواند با تکیه بر سازماندهی و مقاومت خود پیروز شود.

اما انقلاب کردستان سوریه (روژآوا)، به‌عنوان نتیجه مبارزه طولانی مدت بیش خلق کرد بیش از یک قرن میسر شد. تجربه روژآوا، امکان حضور آن‌ها را در تمامی عرصه‌های زندگی فراهم کرد، به هویت‌شان معنا بخشید و درک جدیدی از انقلاب اجتماعی و رسیدن به حق تعیین سرنوشت مردم تحت ستم را به منطقه و جهانیان عرضه داشت.

این انقلاب تاریخی مردم کرد که بین چهار کشور منطقه، یعنی ایران، ترکیه، عراق و سوریه تقسیم شده‌اند و تحت ستم و سرکوب این حکومت‌های مرکزی قرار دارند و تنها اقلیم کردستان است که نسبتاً از کنترل حکومت مرکزی عراق خارج است اما دو حزب بزرگ این منطقه، یعنی حزب دموکرات کردستان عراق و حزب اتحادیه میهنی کردستان عراق، اقلیم را بین خود تقسیم کرده‌اند و با سیاست‌های قبیله‌ای سابق با مردم رفتار می‌کنند و در سه دهه اخیر، هیچ بهبودی نیز در زیست و زندگی و رفاه و آزادی‌های عمومی مردم به‌وجود نیاوردند. تنها تلاش آن‌ها حفظ قدرت و موقعیت خودشان است. هر دو حزب حاکم بر اقلیم کردستان، با دولت‌ها به‌ویژه دولت ترکیه و ایران رابطه نزدیک و تنگاتنگی دارند و ترکیه در حزب دمکرات و ایران در اتحادیه میهنی نفوذ زیادی دارند.

اما پروسه‌ای که مردم کرد روژآوا طی کردند و با مبارزه پیگیر و با قربانی‌دادن‌های زیاد آزادی نسبی خود را به دست آوردند تاکنون معادلات خاورمیانه را تغییر داده‌اند. به‌عبارتی، مقاومت و مبارزه بیش از یک قرن مردم کرد منطقه را به ثمر رسانده‌اند هر چند که کمبودهای زیادی نیز در مدیریت این منطقه وجود دارد. اما به‌عنوان قدرتی که بافت اجتماعی و سیاسی منطقه را تحت تأثیر قرار دادند، با خشم دولت‌های استبدادی منطقه و حامیان بین‌المللی آن‌ها مواجه شدند. در این ۱۴ سال، هیچ دولتی و یا نهاد بین‌المللی مانند سازمان ملل، مدیریت آن‌ها را به رسمیت نشناخت. انکار روزنه امید در روژآوا، مانند خاری در چشم این دولت‌های سرمایه‌داری رفته است و به همین دلیل، همواره در تلاشند انتقام خود را از آزادی‌خواهان و برابری‌طلبان زن و مردم روژآوا بگیرند.

اما اکنون سیستم خودگردانی دموکراتیک روژاوا، در معرض خطر فروپاشی و کشتار پیکارگران آن است. با آغاز حملات از ۶ ژانویه در حلب، میلیون‌ها کرد در چهار بخش کردستان و بسیاری از نقاط جهان با شعار «در کنار مقاومت روژاوا هستیم» به خیابان‌ها آمدند. مردم آزادی‌خواه برای نشان دادن اراده همبستگی خود، خیابان‌ها و میدان‌ها را پر کردند و به مقاومت روژاوا درود فرستادند. این پروسه با اهمیت تاریخی، باعث شد تا ۱ فوریه به‌عنوان «روز جهانی روژاوا» در تاریخ ثبت شود. با روحیه ۱ فوریه، روز صیانت از روژاوا، اگر خلق به پا خیزد، نه تنها روژاوا بلکه تمامی کوردها پیروز خواهند شد. با این حال، هنوز مشخص نیست که آیا توافق حاصل شده در روژاوا به درستی اجرا خواهد شد یا خیر.



در ۱ فوریه، روز جهانی روژاوا، کردها و نیروهای دموکراتیک و چپ و کمونیست و آنارشویست و فمینیست در همه کشورها، به‌ویژه در باکور کردستان، به خیابان‌ها آمدند و حمایت خود را از سیستم خودگردانی دموکراتیک روژاوا نشان دادند. این اعتراضات، هم‌زمان هشدار به محمد شرع رییس جمهور موقت سوریه و نیروهای هیات تحریرالاشام و تمامی حامیان آن بود.

انقلاب روژاوا که ۱۴ سال پیش آغاز شد، از یک سو مورد حمایت همه نیروهای آزادی‌خواه و چپ جهان قرار گرفت و از سوی دیگر با خشم دولت‌های مرکزی سوریه و هم‌چنین دولت‌های سرمایه‌داری به ویژه دولت ترکیه، مواجه شده است. از آغاز پروسه ۲۰۱۱ تاکنون، این همواره زنان کرد بوده‌اند که دوش‌به‌دوش مردان هم‌رزم خود در جبهه‌های جنگ حضور داشته و با محافظت از امنیت، فرهنگ و هنر، هویت اجتماعی و سیاسی خود، آن را به امروز رسانده‌اند. قدرت بنیادینی که انقلاب روژاوا را به امروز رساند، زنان در صف مقدم آن بودند. یگان‌های مدافع زنان (ی‌پژ) به‌عنوان ملموس‌ترین نمونه این مبارزه در تاریخ ثبت شد.

زنانی بودند که در تمامی عرصه‌های سیاسی، نظامی، فرهنگی و زندگی آزاد و شایسته انسانی، اراده مبارزه و مقاومت را از خود نشان دادند و انقلاب روژاوا را در فعالیت‌های سیاسی، دیپلماتیک و اجتماعی تا به امروز جلو آوردند. این مبارزه طولانی‌مدت زنان کرد در روژاوا در صفحات تاریخ حک شد. مبارزان ی‌پژ با جنگیدن و مقاومت و انسانیت، هم دستاوردهای خلق کرد و هم خط‌مشی آزادی زن را اساس قرار دادند. قاطعیت و رزمندگی و مقاومت و تدابیر سیاسی-نظامی آن‌ها یکی از عناصر اصلی شکل‌دهنده به پیکره انقلاب روژاوا بود. آن‌چه انقلاب روژاوا را در افکار عمومی مردم منطقه و حتی جهان برجسته و متمایز کرده و به آن رنگ و معنا بخشیده، مقاومت زنان و مبارزان کردی بود که سال‌ها در این سرزمین‌ها مبارزه کردند.

تجربه انقلاب روژاوا، یک نمونه برجسته و متمایز و مهمی تبدیل شده است که نشان می‌دهد با وجود تمامی ریسک‌ها و خطرات، یک خلق تحت ستم و آزادی‌خواه و متحد و هم‌دل می‌تواند با سازماندهی و مقاومت خود سرپا بماند.

یک روز پس از سقوط حکومت بشار اسد، گروه اسلام‌گرای «ارتش ملی سوریه» (SNA) که مورد حمایت مستقیم دولت و ارتش ترکیه است، شهر منبج سوریه، واقع در غرب رودخانه فرات در استان حلب را تصرف کرد و آن را از کنترل «نیروهای دموکراتیک سوریه» (SDF)، به رهبری کردها، درآورد. چند روز پس از تصرف منبج، یک آتش‌بس کوتاه با میانجی‌گری ایالات متحده آمریکا در منبج اعلام شد اما فوراً از سوی «ارتش ملی سوریه» تحت حمایت ترکیه نقض شد. جنگجویان کرد، از جمله زخمیان، توسط مزدوران ترکیه اعدام صحرایی شدند و فرصتی برای تخلیه منطقه به مردم و نظامیان کرد داده نشد. دولت ترکیه گفت اساساً هیچ آتش‌بسی در کار نبوده است که حالا بخواهد نقض شود.

اکنون از اوایل سال گذشته میلادی تا به امروز، «نیروهای دموکراتیک سوریه» (قس‌د) با حملات حکومت موقت سوریه به ریاست جمهوری محمد اشرع، که جانشین حکومت بشار اسد شده است ابتدا حملات خود را به مناطق کردشین حلب

آغاز کردند و اکنون کوباین را در محاصره خود دارند. ارتش ترکیه نیز حملات زمینی و هوایی خود را با استفاده از جنگنده‌ها، پهپادها، و توپخانه عمدتاً در محور غربی روژاوا در کوبانی، حومه منبج و غیره ادامه داده است.

پیش‌تر در سال ۲۰۱۸ نیز با چراغ سبز ترامپ به اردوغان و بیرون کشیدن بخشی از نیروی نظامی ایالات متحده از سوریه، ترکیه به کمک نیروهای اسلام‌گرای نیابتی خود کانتون مرزی عفرین را با توحش هرچه بیش‌تر اشغال کردند، تجاوز نظامی که با کشتن صدها نفر و آواره کردن ۳۰۰ هزار نفر محقق شد.

سد تشرین، که پیش‌تر توسط داعش گرفته شده بود و بنا بود به‌طور کامل منهدم شود، به‌طور ویژه یکی از مهم‌ترین زیرساخت‌ها برای تولید برق روژاوا و بازتولید اجتماعی این منطقه است. هدف ترکیه نیز تخریب این سد و نابودی زیرساخت‌های زندگی و در نتیجه تخریب بازتولید اجتماعی در روژاوا بوده است. در واقع، یکی از اشکال اصلی که جنگ‌های فعلی در سرمایه‌داری معاصر از جمله در اوکراین، غزه و غیره به خود گرفته نزاع بر سر همین زیرساخت‌های حیاتی-بازتولیدی است که پیش‌شرط هر شکلی از ادامه حیات فردی و جمعی است.

خبرگزاری نیروهای دموکراتیک چهارشنبه ۱۹ دی- ۸ ژانویه، اعلام کرد که احتمال فروپاشی سد تشرین با وجود تشدید حملات ترکیه بالا گرفته است. مردم کانتون‌های دیگر روژاوا، از جمله در کوبانی، با شنیدن خبر فروپاشی از نقاط دیگر خود را به سد تشرین رساندند و همبستگی خود را با یک سازماندهی جمعی به شکل درخشانی نشان دادند و روحیه جمعی را در مقابله با خطر جدی ترکیه بالا بردند.

طی سال‌های اخیر بیمارستان‌ها، مدارس، تاسیسات برقی و آبی روژاوا بارها و بارها توسط ترکیه بمباران شدند و زندگی میلیون‌ها نفر تحت تأثیر این حملات قرار گرفته است. سه روز پیش از ۷ اکتبر ۲۰۲۳، دولت ترکیه نزدیک به ۳۰۰ حمله پهپادی و توپخانه‌ای به زیرساخت‌های اصلی روژاوا انجام داد. حمله به سد تشرین بخشی از این فرایند گسترده‌تر است، سدی که در ۸۰ کیلومتری مرز ترکیه، واقع در حومه منبج، قرار دارد و برق روژاوا را از طریق انرژی حاصل از آب جاری رودخانه فرات تامین می‌کند.

اکنون حملات نیروهای اسلامی با سابقه طولانی تروریستی که اکنون حکومت سوریه را در دست گرفته‌اند با حمایت آمریکا و ترکیه به روژاوا در جریان است.

مهم‌ترین اهداف اصلی حملات اخیر نیروهای اسلامی هیات تحریر شام وابسته به دولت موقت دمشق، نابودی مدل اداره خودمدرییتی و دموکراتیک و به‌طور کلی دستاوردهای ۱۴ ساله مردم کرد و غیرکرد روژاوا است. در تلاشند انقلاب زن و سیستم مردم دموکراتیک را نابود سازند. تاکنون در تلاش بودند از طریق حملات پراکنده و از طریق فشارهای نظامی و محاصره اقتصادی، مردم روژاوا به زانو درآورند و به اهداف استبدادی خود برسند. اما مبارزه پیگیر و مقاومت و سیستم خودمدرییتی دموکراتیک روژاوا، نه تنها برای مردم کرد، بلکه امن‌ترین چتر برای تمامی خلق‌های منطقه هم‌چون عرب، آشوری، ایزدی، سریانی و کلدانی است.

هنوز روشن نیست که این توافقات به نتایج قطعی منجر شوند. اما ای همین الان روشن است که نتایج این توافقات ضربه‌ای به امیدهای کردها برای حفظ خودگردانی به شمار می‌رود. آن‌ها در جریان جنگ داخلی سوریه که بین سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۲۴ ادامه داشت، منطقه‌ای خودگردان و دموکراتیک در شمال و شمال‌شرق کشور ایجاد کرده بودند.

احمد شرع، رئیس‌جمهور اسلام‌گرای سوریه با سوابق تروریستی که حتی دولت آمریکا، او در لیست ترور قرار داده بود و رسماً اعلام کرده بود هر کس محل اختفای او را نشان دهد ۱۰ میلیون دلار جایزه خواهد داد. اما اکنون ورق برگشته و احمد شرع به کاخ سفید می‌رود و نمایندگان دولت‌های غربی یکی پس از دیگری به دیدار و مذاکره با او براهی دمشق می‌شوند. خود این نمونه بزرگ نشان می‌دهد که سابقه تروریستی و یا همان تروریست و گروه‌های تحت فرماندهی او به چه جنیتی مشغولند برای آن‌ها هیچ اهمیتی ندارد فقط کافیست منافع سرمایه‌داری دولت‌ها را در نظر بگیرد در چنین شرایط پروند تروریستی گذشته او برای همیشه بسته می‌شوند. جهانی سرمایه‌داری، جهانی ناامن برای آزادی و برابری و رفاه عمومی بشریت است. بنابراین، قرار نیست در جهان تحت کنترل سرمایه‌داری و با رهبرانی همانند ترامپ، نتان یاهو، خامنه‌ای، اردوغان، احمد شرع، السیسی، بن سلمان، بوتین، زلنسکی، شی جین‌پینگ و... که در دسامبر ۲۰۲۴ قدرت بشار اسد را سرنگون کرد، مصمم است کنترل دولت را بر سراسر خاک سوریه گسترش دهد. با استقرار نیروهای دولتی در مناطق کردنشین، تنها منطقه‌ای که هم‌چنان خارج از کنترل دمشق باقی مانده، استان دروزی‌نشین سویدا در جنوب کشور است.

اگر توافقات به سرانجام برسد، برخی میادین نفتی که پیش‌تر تحت کنترل کردها بود و هم‌چنین فرودگاه قامشلی و گذرگاه‌های مرزی ظرف ده روز به دولت تحویل داده می‌شود. نیروهای دموکراتیک سوریه نیز در ارتش سوریه ادغام خواهند شد اما در قالب یک لشکر متشکل از سه تیپ باقی می‌مانند.

مقامات اسلام‌گرای دمشق از زمان به قدرت رسیدن، متعهد به حفاظت از اقلیت‌ها شده‌اند، اما از آن زمان تاکنون، این کشور صحنه قتل‌عام علوی‌ها در مارس گذشته و خشونت علیه دروزی‌ها در جنوب در ماه ژوئیه بوده است. اکنون نیز نوبت مردم کرد رسیده است. در چنین روندی، همه نیروهای سیاسی آزادی‌خواه و برابری‌طلب و مردم آزاده، وظیفه آگاهانه و داوطلبانه دارند تا از هر امکani که برایشان مقدور است بهره‌گیرند و به یاری مردم کرد و غیرکرد روژآوا بشتابند! به این ترتیب، نباید کسی منتظر آن روز موعود باشد که فرشته آزادی از راه برسد و دنیای «بهشت‌گونه» ایجاد کند؛ بهشت برینی که مملو از حوری و قلمان، غذاها و نوشیدنی‌های مختلف؛ تصور این که همه بهشتی‌ها، دایما مشغول عیش و نوش و تفریح هستند؛ و... رهبران مذهبی و دستگاه روحانیت در دین‌های مختلف، همواره این وعده‌های بهشتی برای مریدان خود تبلیغ و ترویج می‌کنند و اگر کسی گوش ندهد جهنم سوزان در انتظارش است؛ در حالی که نه فرشته نجاتی در کار است و نه به معنای واقعی، بهشتی و جهنمی پس از مرگ وجود دارد؛ هر آنچه که هست در این دنیا است و پس از مرگ دنیای دیگری وجود ندارد. بنابراین، آزادی و برابری، رفاه و عدالت اجتماعی و رهایی از هرگونه ستم و استثمار، اهدایی هیچ دولتی نیست مگر این که خود مردم و جنبش‌های مردمی از پایین، آگاهانه و متحدانه و با کار و کوشش مستقل و پیگیر خود، قدم‌به‌قدم آرزوهای خود را متحقق سازند و کاخ‌های آزادی و مرفه خود را در این جهان برپا کنند!

سه‌شنبه چهاردهم بهمن ۱۴۰۴ - سوم فوریه ۲۰۲